

راز عشق ممنوعه در صحنه قتل یک زن

■ تحلیل کارشناس

عشق های موازی

دکتر امان... قربایی مقدم جامعه شناس و استاد دانشگاه افرادی که قبل از ازدواج عاشق می شوند ولی به هر دلیلی نمی توانند با فرد مورد علاقه شان ازدواج کنند هنگام انتخاب فرد دیگری به عنوان همسر دچار تعارض می شوند و خطر آتی زندگی مشترک جدیدشان را تهدید می کند. برخی افراد این پدیده را عشق اول می نامند و ذهنیت شان به این گونه است که عشق اول فراموش نشدنی است. گاهی اوقات در برخی پرونده های جنایت های هولناک یا خیانت هایی که به طلاق و جدایی منتهی شده است دیده می شود زن و مرد بعد از ازدواج به دلیل انتخاب اشتباه و مسیر نادرستی که در زندگی مشترک در پی گرفته اند یاد عشق اول می کنند و همین مسئله بنیان زندگی شان را از بین می برد. این گونه رابطه های آسیب زا به شدت خطرناک است زیرا از روی منطق و تصمیم گیری عقلانی نیست و این افراد ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و خانوادگی را زیر سوال می برند. زندگی این قبیل افراد که یاد خاطرات عشق قدیمی شان می کنند متزلزل بوده است و استحکامی ندارد و گاهی به دلیل ترس از طلاق و جدایی به روابط خارج از چار چوب خانواده پناه می برند که آسیب های اجتماعی بی شماری را رقم می زنند. عشق های کاذب گذشته به دلیل تقلید از رسانه ها و فضای مجازی شکل می گیرد و دوست بایی های گسترده و کم رنگ شدن معنویات در وجود افراد سبب می شود خیانت و جنایت در جامعه گسترش یابد. برخی والدین متأسفانه وظیفه اصلی یک زندگی مشترک و مسئولیت پذیری را به فرزندان خود آموزش نمی دهند و برخی فرزندان به دلیل شرایط نامساعد خانوادگی برای فرار از آن موقعیت ها دست به انتخاب نادرست همسر می زنند و به دلیل پایین بودن میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی و سست بودن بنیان خانواده با عشق های قدیمی خود ارتباط می گیرند و وقتی مسئولیت های زندگی به فرزندان آموزش داده نمی شود تصورات اشتباه درباره ازدواج و زندگی مشترک شکل می گیرد و احساسات جای خود را به منطق می دهد و همین موضوع سبب وقوع رخدادهای ناگوار در جامعه می شود. از سوی دیگر کاهش سن روابط قبل از ازدواج موضوعی چند وجهی است که علت های بی شماری دارد. سهل انگاری خانواده و نبود نظارت والدین بر روابط و هیجانات نوجوانان و جوانان یکی از دلایلی است که در سال های اخیر به روابط جنسی نوجوانان و جوانان منجر شده است به طوری که این روابط در سنین پایین دیده می شود و گاهی از دواج هایی از روی بی مطلقیت صورت می گیرد.

جوان در خانه وی پیدا شد. مرد جوان که دلباخته عشق قدیمی اش بود وقتی پیش روی ماموران قرار گرفت ادعا کرد که عاشق مهسا بوده اما او را به قتل رسانده است. اسماعیل گفت: سال ها قبل با مهسا آشنا شدم و آن روز ها دلباخته و عاشقش شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم اما وقتی به خواستگاری اش رفتم خانواده اش مخالفت کردند و این مخالفت باعث شد تا دیگر نتوانم با مهسا در ارتباط باشم و در همه این سال ها همیشه به او فکر می کردم تا این که شنیدم مهسا با یک مرد از دواج کرده است. وی ادامه داد: عاشق مهسا بودم و بعد از او دیگر نتوانستم عاشق کسی شوم و در این مدت مجرد بودم تا این که چندی قبل به صورت خیلی اتفاقی مهسا را پیدا کردم و با هم به صورت پیامکی در ارتباط بودیم و همیشه از اختلافاتش با همسرش حرف می زد. اسماعیل گفت: مدتی سعی کردم با نصیحت و حرف هایم او را آرام کنم تا به زندگی اش ادامه دهد اما کار از کار گذشته بود و اختلاف او با شوهرش زیاد بود به حدی که همیشه با هم درگیر بودند تا این که یک روز مهسا خواست کمکش کنم. مهسا تصمیم گرفت به پلاک بگیرد و در این مدت دوستی قدیمی ما مشکل جدیدی به خود گرفت و من که سال ها چشم انتظار دختر مورد علاقه ام بودم وقتی شنیدم تصمیم دارد بعد از جدایی از همسرش با من زندگی کند با او همراه شدم. مرد عاشق پیشه گفت: در این مدت با مهسا به صورت پنهانی در ارتباط بودم و کمکش کردم تا مراحل جدایی از همسرش را انجام دهد و چون می دانستم نیاز به پول دارد همیشه به او پول می دادم و روزهای آخر یک کارت بانکی ام را در اختیارش قرار دادم که وقتی به دادگاه می رود در صورت نیاز به پول از آن برداشت کند و قصد داشتم از همان ابتدا خودم را به او ثابت کنم. همه چیز خوب پیش می رفت و دختر ۱۸ ساله مهسا نیز از رابطه دوستی ما با خبر بود تا این که شنیدم مهسا فوت کرده است. بار دیگر به گذشته برگشتم، روزهایی که قصد داشتم با دختر مورد علاقه ام ازدواج کنم اما مخالفت خانواده اش او را از من گرفت و این بار قصد داشتم دوباره با هم ازدواج کنیم اما او برای همیشه مرا تنها گذاشت. باور کنید من در مرگ او نقشی نداشتم و در این سال ها منتظر بودم که با او ازدواج کنم و نمی دانم چه اتفاقی افتاده چه کسی با او دشمنی داشته که مهسا را به قتل رسانده است. بنا به این گزارش، باز پرس غلامی از شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران با توجه به تنها مظنون این پرونده که اسماعیل است دستور داد تا وی برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گیرد.



همیشه با هم اختلاف داشتند و سر هر مسئله کوچکی با هم درگیر می شدند. وی افزود: چندی قبل متوجه شدم مادرم با یک مرد آشنا شده است و از من خواست تا درباره این ماجرا سکوت کنم و حتی یک روز که تولدم بود، مرد غریبه که اسماعیل نام دارد به من کادوی تولد داد و با توجه به اختلافات پدر و مادرم تصمیم گرفتم درباره رابطه مادرم با اسماعیل سکوت کنم. دختر جوان ادامه داد: بعد از فوت مادرم، اسماعیل بارها پیامک هایی به من داد و در بیشتر آن ها درباره مادرم و دلتنی اش حرف می زد. ■ بازداشت مرد عاشق پیشه همین اطلاعات کافی بود تا ماموران اداره جنایی پلیس آگاهی تهران برای دستگیری اسماعیل وارد عمل شوند و با تحقیقات میدانی و اطلاعاتی خانه اسماعیل شناسایی شد و روز شنبه ۱۹ مرداد در عملیاتی غافلگیرانه مرد جوان دستگیر شد و در بازرسی از خانه اسماعیل، مدارک شخصی زن

عشق ممنوعه به زن جوان کافی بود تا با سرخی در صحنه یک جنایت، مردی در برابر اتهام قتل قرار گیرد. مرد جوان به خاطر علاقه دوران جوانی به دختری با وجود ازدواج او مجرد ماند و در ویایش به امید روزی نشست تا با عشق ممنوعه از دواج کند. ■ قتل در جنوب تهران ظهر ۷ مرداد امسال بود که مرد جوان پس از تعطیلی مغازاش به سمت خانه شان در شهرک ولیعصر رفت و وقتی وارد خانه شد با جسد همسرش روبه رو شد و با سرو صدا از اهالی محل درخواست کمک کرد. مرد مهسا به وار د خانه مرد جوان شد و با مشاهده جسد زن ۳۹ ساله، پلیس را با خبر کرد و در این مرحله تیمی از ماموران کلانتری در محل حاضر شدند. ■ تحقیقات جنایی در بررسی های ابتدایی احتمال می رفت زن جوان دست به خودکشی زده باشد اما با توجه به مرموز بودن این پرونده، تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس ویژه قتل در محل حاضر شدند. کارآگاهان که همراه تیم تشخیص هویت در محل حاضر شده بودند، پی بردند که روی بدن زن جوان آثار ضرب و جرح وجود دارد و چهار ساعت از زمان مرگ وی می گذرد که در این مرحله جسد برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. تیم پلیسی در این مرحله شوهر زن جوان را هدف تحقیق قرار دادند که گفت: صبح به سر کار رفتم و دخترم نیز به خانه یکی از بستگانم رفته بود، من بعد از تعطیلی مغازه به خانه رفتم که با جسد زنم روبه رو شدم. وی افزود: من و همسرم اختلاف داشتیم اما هیچ وقت فکر نمی کردم قصد خودکشی داشته باشد و با دیدن جسد زنم داخل خانه شو که شدم. ■ یک سرنج کارآگاهان در صحنه جرم در کنار جسد زن جوان یک کارت عابر بانک به نام یک مرد جوان پیدا کردند و همین سرنج در اختیار ماموران قرار گرفت تا این که چند روز بعد پزشکی قانونی اعلام کرد که زن جوان از ناحیه گردن خفه شده است و فرضیه خودکشی به قتل تبدیل شد. با توجه به کشته شدن زن جوان و پیداشدن کارت عابر بانک مرد ناشناس، تجسس های پلیسی برای افشای راز این جنایت معمایی در پلیس آگاهی تهران آغاز شد. کارآگاهان در گام نخست موبایل قربانی جنایت را تحت بررسی قرار دادند و مشخص شد مهسا با مرد ناشناسی ارتباط پنهانی داشته است و از چندی قبل با هم در ارتباط هستند. ■ سکوت دختر در این مرحله دختر ۱۸ ساله این خانواده هدف تحقیق قرار گرفت و به ماموران گفت: پدر و مادرم

گفت و گو با منم

بزرگ ترین اشتباه یک زن

رواج ازدواج دوم که در محیط خارج از خانه شکل می گیرد، باعث مشکلات زیادی در خانواده ها و جامعه می شود. زیرا در این ازدواج ها آرامش فکری و جود ندارد احساسات تصمیم گیرنده هستند. از طرفی شکل گیری خانواده بدون شناخت مشکلاتی ایجاد می کند و باعث می شود در مدت کوتاهی مسائل، به چشم زوج بزرگ آید که قبل از ازدواج متوجه آن مسائل نبودند. در این زمینه با زنی که همسر دوم شده است به گفت و گو نشستیم. ■ اسمت چیه؟ نسرين. ■ چند سالته؟ ۲۵ سالمه. ■ برای چه به این جا آمدی؟ برای گرفتن طلاق و مهریه ام. ■ چرا؟ به هزار دلیل. اول این که شوهرم زن دارد، دوم این که شوهرم از من ۱۵ سال بزرگ تر است، سوم این که دست بزن دارد، چهارم این که بددهن است، پنجم این که خرجی نمی دهد، ششم این که مرا در خانه زندانی می کند... ■ یعنی چه شمارا در خانه زندانی می کند؟ من حق ندارم از خانه خارج شوم و حتی خودش هم مرا جایی نمی برد. من همیشه تنها هستم. ■ نمی دانستی همسر دارد؟ چرا می دانستم اما او می گفت که با همسرش مشکل دارد و او را دوست ندارد. حتی از لحاظ زناشویی او را تا مین نمی کند. بعد هم گفت: اگر تو هم با این ازدواج موافقت نکنی، من حتما از دواج می کنم اما من تو را دوست دارم و... و با این حرف ها عقلم را از دست دادم و شیفته شهرام شدم. ■ کجا با هم آشنا شدید؟ من برای کار به کارخانه او رفتم و در آن جا مشنمی شدم. از آن جا رابطه مان کم کم بیشتر شد. ■ چگونه؟ مرا تا خانه می رساند، کار به من زیاد می داد تا همه بروند و بعد با حرف ها و کارهای دل مرا به دست آورد و سرانجام قرارهای بیرون کارخانه شروع شد. ■ بچه هم از زن اولش دارد؟ بله، سه تا بچه دارد؛ یک دختر ۱۶ ساله و یک پسر هفت ساله و یک دختر سه ساله. ■ شما چی؟ زندگی خود را تباہ می کند. باید زنان چشمانشان را باز کنند و خوب ببینند و از روی احساس تصمیم نگیرند. همچنین بدانند که اگر مردی با زنش مشکل داشته باشد از او جدا می شود نه این که به خاطر بهانه های واهی دل من یا هر دختر دیگری به دست آورد. آن ها این طور صحبت می کنند اما چارهس دنبال چیز دیگری نیستند. ■ حرف آخر؟ هیچ گاه همسر دوم یک مرد زن دار نشود.

قتل فجیع زن تهرانی با خروج از بانک

بانک به صورت امانت تحویل دهد و از بانک وام بگیرد اما از آن روز به بعد دیگر اطلاعی از او ندارم. کارآگاهان در این مرحله به سراغ بانک رفتند و دوربین های مدار بسته را مورد بررسی قرار دادند که مشخص شدن جوان با خارج شدن از بانک سوار یک تاکسی شده است. مسیر تاکسی قدم به قدم توسط دوربین های مدار بسته مورد بازبینی قرار گرفت و مشخص شدن جوان آخرین بار سوار یک تاکسی در همان محل پیداشدن جسدش حضور داشته است. در این مرحله، کارآگاهان راننده تاکسی را دستگیر کردند. مرد جوان ابتدا ادعا کرد که زن جوان را نمی شناسد اما وقتی در برابر فیلم دوربین مدار بسته قرار گرفت، گفت: او را به عنوان مسافر سوار یک خودرویم کردم و بعد از پیاده شدنش دیگر از او اطلاعی نداشتم تا این که امروز متوجه شدم او کشته شده است. بنا بر این گزارش، باز پرس پرونده دستور داد تا راننده تاکسی به عنوان تنها مظنون این پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران باشد و تحقیقات در این پرونده معمایی ادامه دارد.

قتل مرموز مادر و دختر قبل از سفر به ترکیه

خواستیم حرکت کنیم، یک جلسه کاری پیش آمد و مجبور شدم به محل کارم بازگردم. دو ساعت بعد با خانه تماس گرفتم که بگویم برای رفتن آماده شوند. قرار بود به خانه خواهرم در تبریز و از آن جا به ترکیه برویم. کسی جواب گو نشد و با تلفن همراه همسرم تماس گرفتم که او هم پاسخی نداد. پدر خانواده افزود: با برادرم تماس گرفتم و گفتم به آن جا برو تا قبل از رسیدن من اگر اتفاقی افتاده است کاری انجام دهد که هنگام رسیدن او مشخص شد در آپارتمان نیمه باز و کلید نیز پشت در بود. خانه هم به هم ریخته به نظر می رسید و وقتی برادرم به اتاق ها مراجعه کرد با جسد همسر و دخترم مواجه شد. ماموران پس از شنیدن این ادعاها به بررسی آپارتمان پرداختند و مشخص شد، چیزی از محل سرقت نشده است و به هم ریختگی خانه نیز ساختگی به نظر می رسید. بنا بر این گزارش، با دستور قاضی کشیک قتل پایتخت، پدر خانواده در بازداشت است و تحقیقات ادامه دارد.

مادر و دختری که آماده سفر به ترکیه بودند به طرز مرموزی در بولوار فردوس تهران کشته شدند. ساعت ۸ شب شنبه گذشته قتل مادر و دختری به پلیس تهران مخایره شد و تیم های تحقیقی به بولوار فردوس اعزام شدند. تحقیقات اولیه نشان داد کسی که با پلیس تماس گرفته از بستگان مادر و دختر است و در صحنه قتل، در آپارتمان باز بود و مادر ۴۸ ساله به همراه دختر ۱۳ ساله اش خفه شده بودند. پدر خانواده که در قتلگاه حضور داشت وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: ۵۰ سال دارم و در سال ۷۸ با دختر خاله ام که خانه دار است ازدواج کردم. هشت سال در این آپارتمان سکونت داریم و خودم کارمند شرکت خودروسازی هستم. صبح به محل کارم مراجعه کردم و قرار بود امروز به تبریز مسافرت کنیم. ظهر به خانه رسیدم و وسایل مان را جمع کردم و با کمک دخترم به پارکینگ بردیم. این مرد در حالی که اشک می ریخت ادامه داد: وسایل را داخل صندوق عقب خودرو گذاشتیم و همین که می

پرداخت آسان ♦ برای مدت محدود ♦ با شرایط ویژه

مجتمع بزرگ تجاری

کورو ش

با کلیه امکانات آب، برق و انشعاب گاز مستقیم

واگذاری تعداد محدود مغازه تجاری و دفتر کار تجاری

ساعت تماس ۱۰ صبح الی ۱۶ بعد از ظهر

کوی قائم، حفاصل شهید ریاضی ۵۱ و ۵۷ تماس: ۳۳۸۷۰۰۷۶

